

چالش های ناشی از افزایش بی رویه قوانین کیفری و

راه حل های پیشنهادی در نظام عدالت کیفری

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۰۴/۱۷، تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۰۵/۲۶)

نازنین خلیلی کهنه شهری

چکیده

گسترش بی رویه و غیرکارشناسانه عناوین کیفری در سه دهه اخیر، یکی از پیچیده ترین و بنیادین ترین معضلات نظام عدالت کیفری ایران به شمار می آید که پیامدهای آن، علاوه بر تضعیف کارآمدی، مشروعیت و اقتدار حقوقی نظام کیفری، تهدیدی جدی برای اصول حکومت قانون و تضمین آزادی ها و حقوق بنیادین شهروندان محسوب می شود. این پدیده موسوم به “تورم کیفری”، زمانی رخ می دهد که قانونگذار با صرف نظر از معیارها و الزامات واقعی اجتماعی و بی توجه به داده های علمی جرم شناسی، به جرم انگاری افراطی و تصویب مقررات کیفری متعدد و بعضاً غیرضروری مبادرت می ورزد. پیامد مستقیم این رویکرد، بروز نوعی بی اعتنایی و عدم باورپذیری هنجارهای کیفری در میان تابعان حقوق و نیز کاهش قبح اجتماعی نسبت به نقض این مقررات است، به گونه ای که قوانین کیفری از جایگاه بازدارنده و حفظ کننده نظم و امنیت، به عنصری نمادین و کم اثر تبدیل می شوند. استمرار این روند، ضمن ایجاد ترافیک گسترده در دستگاه قضایی و اطاله دادرسی، بار سنگینی بر دوش نهادهای عدالت کیفری تحمیل نموده و در بلندمدت، اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی نسبت به حقوق کیفری را فرسوده و مشروعیت نظم حقوقی را با بحران مواجه ساخته است. در این نوشتار با توجه به اهمیت موضوع مورد بحث، با بهره گیری از ابزار کتابخانه ای با رویکردی تحلیلی-توصیفی به بررسی چالش های ناشی از افزایش بی رویه قوانین کیفری و ارائه روشهایی پیشنهادی بر حل معضل می پردازیم. مطابق با تحلیل

حقوق دانان تطبیقی، حفظ و صیانت از ارکان حکومت قانون، از جمله اصل قانون‌مداری، شفافیت، برابری در برابر قانون و به‌ویژه حق بر دادرسی عادلانه، در گرو پرهیز قانون‌گذار از رفتار قیم‌آبانه و جرم‌انگاری بی‌رویه و توجه جدی به اصل حداقل‌گرایی کیفری است. بر این اساس، هرگونه توسعه عناوین مجرمانه و ایجاد پوشش کیفری خارج از چارچوب نیازهای حقیقی جامعه و مصالح عمومی، می‌تواند موجبات تضعیف انسجام اجتماعی و فروپاشی سرمایه اعتماد عمومی را پدید آورد. راه‌حل اصلی خروج از این بحران، بازنگری جامع در سیاست جنایی تقنینی و حرکت به سوی جرم‌زدایی، کیفرزدایی، و بهره‌گیری از ابزارهای جایگزین غیرکیفری است تا از کارکرد اصلی نظام عدالت کیفری یعنی صیانت مؤثر از آزادی‌های مشروع، امنیت عمومی و رعایت عدالت اجتماعی به گونه‌ای پایدار حمایت شود.

واژگان کلیدی: عدالت کیفری، تورم قوانین کیفری، ناکارآمدی، برچسب زنی، جرم‌انگاری

مقدمه

یکی از مهم‌ترین پیامدهای تورم قوانین کیفری در نظام حقوقی ایران، بروز بحران در تحقق عدالت کیفری و صیانت از حقوق شهروندان است. تعدد و کثرت عناوین مجرمانه بدون ارزیابی جامع از ضرورت جرم‌انگاری و پیامدهای حقوقی هر مقرر، نه تنها موجب سردرگمی محاکم و مراجع اجرایی و تفسیرهای متضاد می‌شود، بلکه وظیفه اساسی حقوق کیفری یعنی تضمین امنیت قضایی و عادلانه برای شهروندان را در معرض تهدید قرار می‌دهد. در واقع، تورم کیفری با بحران‌زا کردن روابط حقوقی، اجرای دقیق عدالت را مختل ساخته و نظام کیفری را به سوی سیاست‌های قهری و بازدارنده صرف سوق داده است. افزون‌بر اختلال در نظم حقوقی، تورم مقررات کیفری تبعات اجتماعی گسترده‌ای نیز دارد. تصویب شتاب‌زده و انباشت بی‌ضابطه قوانین مجرمانه، منتهی به افزایش بزهکاری، تراکم پرونده‌ها، و نارضایتی عمومی از نهادهای عدالت کیفری می‌شود. علاوه بر این، تکرار جرم‌انگاری به شکل ناموجه، به ابزار برجسب‌زنی و انگ‌زنی علیه شهروندان بدل می‌شود و عملاً مسیر بازگشت بزهکاران به جامعه و امکان اصلاح‌پذیری را مسدود می‌کند. پیامد این رویکرد، کاهش اعتماد عمومی و گسست رابطه حقوقی شهروندان با دولت است. راهکار اصلی برون‌رفت از این بحران، عبور از رویکرد سنتی مبتنی بر جرم‌انگاری افراطی و بازنگری اساسی در فرآیند تقنین کیفری است. اصل حداقلی‌گرایی کیفری که در نظام‌های حقوقی پویا رعایت می‌شود، ایجاب می‌کند که تنها رفتارهایی مورد جرم‌انگاری قرار گیرند که ضرر و تهدید جدی برای نظم عمومی، آزادی‌ها، و منافع اساسی جامعه دارند و امکان تأمین منافع یادشده از طرق غیرکیفری وجود نداشته باشد. همچنین، سازوکارهایی چون جرم‌زدایی، کیفرزدایی و ایجاد ضمانت‌اجراهای مدنی و اداری جایگزین باید محور سیاست‌های جنایی تقنینی قرار گیرد. یکی از عوامل اصلی تداوم بحران، ورود مراجع غیر تخصصی و غیرمستقل به فرآیند قانون‌گذاری کیفری است که با تصویب مقررات موردی یا موقت به تورم قوانین دامن می‌زنند. این روند، شفافیت، انسجام و مشروعیت نظم جزایی کشور را تضعیف می‌کند. لذا

ضروری است که مجلس به عنوان مرجع رسمی قانونگذاری، با تمرکز بر نیازهای واقعی جامعه و داده‌های علمی حوزه جرم‌شناسی، قانونگذاری را مبتنی بر بررسی‌های کارشناسی و تحلیل عواقب اجتماعی و حقوقی انجام دهد و سایر نهادها صرفاً در حدود صلاحیت خاص خود ورود کنند. در نهایت، موفقیت سیاست جنایی تقنینی ایران وابسته به فهم عمیق و همه‌جانبه از پیوستار تاریخی، فرهنگی و اجتماعی جامعه و اتکاع به وجدان عمومی و رویه‌های علمی حوزه جرم‌شناسی است. تحقق جامعیت نظام عدالت کیفری مستلزم عبور از نگاه ابزاری به مقررات جزایی و توجه به استانداردهای حقوق بشری و تجربه‌های موفق جهانی در حوزه سیاست‌زدایی از قانونگذاری کیفری است. در چنین چارچوبی، باید هرگونه جرم‌انگاری جدید یا تداوم مقررات جزایی موجود، صرفاً بر اساس تحلیل دقیق ضرورت اجتماعی، مبانی حقوق بشری و رعایت مصالح و منافع جمعی انجام شود تا از گسست و رکود نظام عدالت کیفری جلوگیری گردد.

۱- مفهوم، زمینه‌ها و پیامدهای افزایش بی‌رویه قوانین کیفری

۱-۱ مفهوم و عوامل ایجاد تورم قوانین کیفری

تورم قوانین کیفری به‌عنوان یکی از چالش‌های اساسی حقوق جزا، به معنای گسترش فزاینده و بی‌رویه عناوین مجرمانه و تصویب مکرر و غیرضرور مقررات کیفری است که عمدتاً بر پایه رویکردهای واکنشی، مقطعی و گاهی ناظر بر فشارهای اجتماعی یا انتظارات سیاسی رخ می‌دهد. این پدیده معمولاً زمانی ظهور می‌یابد که قانون‌گذار، بدون انجام مطالعات جامع جرم‌شناختی و نه با تکیه بر ضرورت‌های واقعی و تحلیل‌های جامعه‌شناسانه مرتبط با رفتارهای مخاطره‌آمیز، اقدام به اعمال محدودیت‌های کیفری ظرف مدت محدود بر طیفی وسیع از کنش‌های اجتماعی می‌نماید. به همین دلیل، مجموعه قوانین کیفری ایران در سال‌های اخیر با افزایش متعدد عناوین بزهکاری مواجه شده که بخشی از آن ناشی از فقدان رویکرد حداقلی‌گرایانه و جایگزینی ضمانت اجرای کیفری به‌جای راهکارهای غیرکیفری همچون راه‌حل‌های پیشگیرانه یا مدنی است. همچنین، ضعف ارتباط میان روند

قانون گذاری با دستاوردهای علمی حوزه جرم شناسی، فشار افکار عمومی در قبال جرایم نوظهور، و در برخی موارد سیاست زدگی قانون گذار، عوامل دیگری هستند که به تراکم و انباشت مقررات کیفری دامن زده اند. این مسأله نه تنها منجر به سردرگمی شهروندان و مجریان قانون و بی اعتنایی نسبت به هنجارهای کیفری می گردد، بلکه با تضعیف اصل دولت حقوقی و اصل قطعیت قوانین، زمینه ساز بحران مشروعیت و ناکارآمدی حقوق کیفری در تضمین امنیت و آزادی های فردی می شود.

۱-۱-۱- تعریف تورم کیفری و تمایز آن با جرم انگاری صحیح

تورم قوانین کیفری مفهومی است که عبارت از افزایش بی رویه عناوین مجرمانه و تصویب مقررات کیفری بدون توجه به ضرورت های واقعی جامعه می باشد. این وضعیت سبب می گردد تا نظام عدالت کیفری با هجوم انواع جرائم و عناوین جدید مواجه گشته و آن کارایی مورد انتظار را از دست بدهد. تورم کیفری ناشی از رویکرد تقنینی است که هر رفتار ناهنجار را مستحق واکنش کیفری تلقی می کند، در حالی که بسیاری از انحرافات اجتماعی را می توان با مکانیسم های غیر کیفری کنترل نمود.^۱ تمایز اساسی میان جرم انگاری صحیح و تورم کیفری در ارزیابی ضرورت، میزان بازدارندگی و میزان تحقق عدالت اجتماعی نهفته است. در جرم انگاری صحیح، به اصل ضرورت، تناسب و سودمندی توجه شده و براساس سیاست جنایی علمی و داده های جرم شناختی تصمیم گیری می شود.^۲ تورم کیفری اما بدون پشتوانه مطالعاتی، صرفاً از منظر واکنش دولت به پدیده های اجتماعی و برچسب مجرمانه زدن به تمام رفتارهای ناهنجار، اقدام به تولید قوانین کیفری می کند. یکی از جلوه های اصلی تورم کیفری، ایجاد مقررات متعدد و گاه متعارض در نظام حقوقی است که خود منجر به پیچیدگی و ابهام در تفسیر و اجرای قانون شده و حق بر دادرسی عادلانه را به سبب افزایش

^۱ - دولتشاهی نژاد، فرج الله و دیگران (۱۳۹۷) تبیین چالش های ناشی از تورم کیفری در نظام حقوقی ایران در پرتو

حق بر دادرسی عادلانه، نشریه حقوق پزشکی، بهار، شماره ۴۴، ص ۲۸

^۲ - حاجی آقا، مهدی و داراب نژاد، سیمین، ۱۳۹۴، موضوع: بررسی تأثیر افزایش جرم انگاری بر تورم قوانین و جمعیت

کیفری، نخستین کنگره بین المللی جامع حقوق، <https://civilica.com/doc/503083>

بار رسیدگی، خدشه‌دار می‌سازد. مطابق یافته‌های پژوهشی، چنین رویکردی اصول بنیادین حقوق کیفری از جمله اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها و منع تفسیر موسع را نیز تهدید می‌کند.^۱ اهمیت کنترل تورم کیفری در ادبیات کیفری جهان نیز برجسته است، چنان که متفکرانی همچون بکاریا و منتسکیو بر لزوم شفافیت، جامعیت و تحدید قوانین کیفری تأکید کرده و معتقدند افزایش احکام و عناوین مجرمانه بدون معیار روشن، منجر به بی‌اعتمادی شهروندان و تضعیف وجدان عمومی می‌گردد لذا کنترل تورم کیفری نیازمند بازنگری مستمر و علمی در فهرست جرائم و مقررات کیفری و حرکت به سوی جرم‌زدایی از رفتارهایی است که لزومی برای مداخله کیفری ندارند.^۲ چنین رویکردی منجر به افزایش اثرگذاری نظام عدالت کیفری و ارتقای اعتماد عمومی خواهد شد.

۱-۱-۲ عوامل اجتماعی، فرهنگی و تقنینی مؤثر در افزایش قوانین کیفری

از علل اصلی تورم کیفری می‌توان به ساختارهای اجتماعی و فرهنگی اشاره کرد؛ ضعف فرهنگ حقوقی در جامعه، نبود آموزش حقوقی مؤثر و نهادینه نشدن ارزش‌های مدنی، قانون‌گذار را همواره به سوی تصویب مجازات‌های جدید سوق داده است. همچنین سیاست‌گذاران به جای توجه به راهکارهای اصلاحی و تربیتی، غالباً راه خشن و سرکوبگر کیفری را برگزیده‌اند که نتیجه آن افزایش عناوین مجرمانه شده است. عوامل تقنینی همچون ضعف فرآیند قانون‌گذاری، فقدان نظارت کافی بر وضع لوایح کیفری، و همچنین نبود تعامل سازنده میان قوه قانون‌گذاری و سایر نهادهای سیاست جنایی، از جمله دلایل رشد افراطی قوانین کیفری است. بسیاری از قوانین جزایی بدون کار کارشناسی و تحلیل جرم‌شناختی تصویب شده و حتی تعارض و تداخل میان عناوین مجرمانه به‌وفور مشاهده می‌شود. یکی دیگر از ریشه‌های تورم قوانین کیفری، پاسخ‌های واکنشی به پدیده‌های

^۱ - طولانی مغاللو، مالک (۱۴۰۱) بررسی ضرورت کاهش عناوین کیفری در حقوق ایران و نقش عوامل فرهنگی در

ان، فصلنامه مطالعات رهبری فرهنگی، سال چهارم، شماره ۳، پاییز، پیاپی ۱۲، ص ۴۵

^۲ - دولت‌شاهی و دیگران، پیشین، ص ۲۸

اجتماعی و جرایم نوپدید است. در مواجهه با هر بحران یا ناهنجاری اجتماعی، انتظار پاسخ فوری از سوی قانون‌گذار با تدوین جرم و مجازات جدید همراه بوده و همین امر به تدریج نظام کیفری را با حجم انبوهی از قوانین گوناگون و گاه ناکارآمد مواجه ساخته است. از منظر جرم‌شناسی نیز فقدان تحلیل علمی، نبود بانک اطلاعاتی مناسب و عدم توجه به داده‌های آماری و فرهنگی موجب تدوین مقرراتی می‌گردد که نه جامعیت دارند و نه در میان جامعه اعتباری دارند. ^۱ همین رویکرد شتاب‌زده، اصول جرم‌انگاری را از کارایی و اثر بازدارندگی تهی می‌سازد. در مجموع، کنترل عوامل اجتماعی، فرهنگی و تقنینی از رهگذر تقویت آموزش همگانی حقوق، بازنگری در فرایند وضع قانون و ایجاد تعامل نهادی میان قوای سه‌گانه، می‌تواند از بروز و تشدید تورم قوانین کیفری جلوگیری کند.

۱-۲ پیامدهای تورم قوانین کیفری بر نظام قضایی و اجتماعی

افراط در جرم‌انگاری در کشور ما باعث بحران تورم قوانین کیفری شده است باید در نظر داشت که بحران به معنای ایجاد تنگنا و گسست و شکاف در یک سیستم است به گونه‌ای که حرکت آن سیستم دچار توقف یا دچار تزلزل گردد یا از حات عادی خارج گردد بحران مزبور تحقق وظیفه اساسی نظام عدالت کیفری را که همان تضمین حقوق شهروندان و اجرای عدالت کیفری است را مشکل مواجه کرده است. اگر قوانین و مقررات به ویژه در امور کیفری شرایط لازم را نداشته و با حقوق طبیعی و فطری انسان هماهنگ نباشد موجب ایجاد تعارض بین مرم و دولت خواهند شد برای حل این تعارض وضع قوانین کیفری و استفاده از ضمانت اجراهای آن باید به کمترین حد ممکن کاهش یابد هرچند امروزه قانون‌گذار ایرانی بدون توجه به پیامدهای تصویب و اجرای قانون کیفری به طور مستمر بر حجم مجموعه قوانین کیفری می‌افزاید تدوین قوانین توسط مراجع غیر صالح اعم از دیوان عالی کشور در مقام توحید در رویه مجمع تشخیص مصلحت شورای عالی انقلاب فرهنگی به این

^۱ - بادام فیروز، فردین و افشون، مهدی (۱۴۰۰) کیفر زدایی از رهگذر تخفیف معافیت و تبدیل مجازات در حقوق

تورم دامن زده است.

۱-۲-۱ تأثیر بر دادرسی عادلانه و حقوق شهروندی

پدیده تورم کیفری در حقوق، یعنی توسعه و گسترش عناوین مجرمانه بی ضابطه و تصویب مقررات کیفری زائد، به وضوح در تعارض با فلسفه حقوق و اصل بنیادین کرامت انسان قرار می گیرد. بنیاد نظری «حق»، مبتنی بر ارزشگذاری مطلق بر وجود هر انسان، اقتضا می کند هرگونه محدودیت بر حقوق فردی، توجیه مستحکم و قابل دفاع داشته باشد و به اصل تفسیر مضیق مصادیق جرم وفادار بماند. در این میان، توسعه بی اندازه عناوین مجرمانه و ورود بسیاری از رفتارها به قلمرو نظام کیفری، ارزش وجودی و شایستگی بی قید و شرط هر شخص را با تهدید جدی روبه رو می سازد؛ به گونه ای که حقوق بنیادین شهروندان بیش از پیش در معرض تحدید و خدشه قرار می گیرد.

مفهوم محدودیت بر حق، در نظام های حقوقی ریشه در زمینه های فلسفی، اخلاقی، اجتماعی و اصول حقوق بشری دارد. هرچند توجیه این محدودیت ها گاه با تمسک به مبانی اخلاقی، نظم عمومی، مصالح جامعه یا کرامت انسانی صورت می گیرد، اما حدود و ثغور آن به شدت محل اختلاف است و با پرسش های چالش برانگیز مواجه می شود؛ از جمله این که: آیا کرامت انسانی ریشه ای پیشینی دارد یا توسط جامعه تعریف و تحدید می شود؟ آیا این کرامت، ذاتی انسان است یا قراردادی؟ بنابراین، هرگونه محدودیتی که بر حقوق فردی اعمال می شود، ناگزیر با دغدغه مشروعیت اجتماعی و اخلاقی - و نیز با ضرورت تبیین منشأ و مختصات آن - مواجه است.

قانونگذار در مواجهه با تقابل منافع عمومی و ارزش های فردی، ناچار است با نگاهی متوازن به هر دو حوزه، از افراط در حمایت صرف از جامعه یا فرد پرهیز کند. ایجاد محدودیت های کیفری باید صرفاً در مواردی صورت پذیرد که خطر یا ضرری مسلم، قابل اثبات و فاقد ابهام جدی متوجه حیات اجتماعی یا منافع اساسی دیگران وجود دارد. در غیر این صورت، به صرف گمان یا تشخیص مصالح کلی و انتزاعی، نمی توان آزادی های اساسی شهروندان را

مقید کرد. از سوی دیگر، اصل بر وجود حق و شامل بودن افراد بر آن است و وضع هرگونه محدودیت، نیازمند دلیل و ضرورت قطعی است، نه اصل بودن محدودیت.

اسناد و کنوانسیون‌های حقوق بشر، محدودیت‌های قابل اعمال بر حقوق را فقط در بستر اهدافی چون حمایت از آزادی و حقوق دیگران، تامین اخلاق عمومی، نظم عمومی و صیانت از رفاه عمومی در جوامع دموکراتیک مجاز شمرده‌اند؛ آن هم با این شرط که هر قاعده یا سیاست محدودکننده‌ی حق، بر بستر فهم و پذیرش عمومی بنا شده و به صورت عادلانه قابل توجیه باشد. تجربه‌های تاریخی نیز نشان داده که عدالت، معقولیت و تناسب، ارزش‌هایی هستند که مشروعیت هر محدودیتی باید بر آن‌ها متکی باشد و ارتباط آن با نیازهای بنیادین جامعه، از جمله رفاه، امنیت و برابری، باید به روشنی اثبات شود.^۱

در نهایت باید اعتراف کرد که هرگونه جرم‌انگاری و محدودیت بر آزادی‌ها که صرفاً بر اساس سنت‌های فرهنگی یا مصلحت‌اندیشی‌های انتزاعی اعمال گردد، نه تنها با بنیان حقوق بشر و مفهوم حق‌مدارانه معاصر در تعارض است، بلکه می‌تواند زمینه‌ساز تبعیض، نقض برابری و تضعیف کرامت انسانی گردد. به‌ویژه در زمانه‌ای که شاکله نظام حقوقی متحول و تاب‌آور در مقابل مطالبات نوین اجتماعی است، ملاک تعیین معقولیت و ضرورت محدودیت‌ها نباید سنتی و ایستا باقی بماند، بلکه باید بر اساس معرفت‌شناسی و ارزش‌گذاری‌های نو و براساس مشارکت و پذیرش عمومی بازتعریف شود. این مهم، تنها راه جلوگیری از افراط در جرم‌انگاری و حفظ توازن پایدار میان آزادی‌های فردی و مصالح عمومی خواهد بود.

۱-۲-۲ اختلال در کارایی نظام قضایی و اجرای عدالت

تورم کیفری در نظام‌های حقوقی، به معنای گسترش بی‌ضابطه عناوین مجرمانه و تصویب مقررات کیفری غیرضرور، نه تنها اصول بنیادین فلسفه حقوق یعنی اصل آزادی و اصل اباحه را نادیده می‌گیرد، بلکه سیاست کیفری را از مسیر عقلانیت و عدالت دور می‌سازد. اصل حقوقی بر این است که آزادی و برخورداری از حقوق، قاعده محسوب شده و محدودیت و

^۱ دولت‌شاهی نژاددیگران، پیشین، ص ۲۲

جرم‌انگاری، صرفاً به عنوان استثنا و بر مبنای ضرورت و با دلایل موجه و قوی باید اعمال شود. این اصل ایجاب می‌کند هر نوع ورود دولت و قانونگذار به عرصه محدودیت کیفری، کاملاً توجیه‌پذیر و مضیق باشد و فقط در چارچوب منافع اساسی عمومی قابل پذیرش تلقی گردد. هرگونه جرم‌انگاری و اعمال ضمانت اجرای کیفری مستقیماً با حقوق اساسی فرد برخورد دارد و چون همه افراد جامعه بالقوه در معرض ضمانت اجرای کیفری هستند، قناعت و اقناع عقلانیت عمومی و پذیرش اجتماعی این مقررات اهمیت حیاتی می‌یابد. تحلیل سه‌گانه حقوق بشر؛ شامل حقوق مدنی و سیاسی، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و حقوق همبستگی، نشان می‌دهد اصل بر این است که حوزه حقوق فردی حتی‌الامکان از مداخله دولت و به‌ویژه از واکنش شدید کیفری مصون باشد و تنها در مواقع ضرورت که منافع مهم عمومی یا مصالح فوری در معرض تهدید قطعی است، محدودیت و جرم‌انگاری صورت گیرد. به ویژه چون واکنش کیفری، شدیدترین شیوهی سازمان‌یافته اعمال قدرت عمومی علیه فرد محسوب می‌شود، باید جز در شرایط استثنایی و مبتنی بر منطق قوی، توجیه و اجرا گردد. جرم‌انگاری، به صرف اینکه رفتاری را نامطلوب تلقی کنیم، مشروعیت نمی‌یابد. تحلیل حقوقی اقتضا می‌کند هر جا بتوان محدودیت را به شیوه‌های غیر کیفری و با ضمانت اجرای مدنی یا اداری اعمال کرد، اولویت با این روش‌هاست و مداخله کیفری صرفاً زمانی مجاز است که هیچ ابزار جایگزین کارآمدی برای صیانت از منافع عمومی وجود نداشته باشد. در مقابل، جرم‌انگاری اضافی نه تنها حق فرد را به نحو ناموجه مورد تعرض قرار می‌دهد، بلکه کرامت انسانی را مخدوش و مشروعیت حقوق کیفری را تضعیف می‌کند. تضمین اصل برائت، حق برخورداری از بیشترین آزادی و اصل ضرورت دخالت کیفری، مستلزم آن است که فرد حق دارد مجازات نشود و تنها در مواردی که مداخله کیفری از منظر اجتماعی، اخلاقی و عقلانی قابل اثبات باشد، می‌توان او را مشمول مجازات قرار داد.^۱

^۱ برغی، محمد مهدی و همکار (۱۳۹۶) چالش‌های حقوقی ناشی از تورم قوانین کیفری و راه‌های برون رفت از بحران

اسناد بین‌المللی حقوق بشر و تحلیل نظریه‌های عدالت نشان می‌دهد نمی‌توان به نام فایده عمومی، حقوق بنیادین افراد را نادیده گرفت یا قربانی ملاحظات سیاسی و اجتماعی کرد. هر قاعده یا تصمیمی که به محرومیت افراد از مشارکت در تعیین سرنوشت یا از بین رفتن حقوق مادر (همچون آزادی و حیات) بینجامد، فاقد مشروعیت سیاسی و قضایی است. مشروعیت هرگونه محدودیت، منوط به مقبولیت و پذیرش جمعی و تبلور ضرورت در افکار عمومی است. حق بر عدم مجازات‌شدن و حق بر محدود بودن دامنه جرم‌انگاری، خط قرمز نظام حقوقی مبتنی بر کرامت انسان و آزادی‌های اساسی است و گذشتن از آن، صرفاً در شرایط فوق‌العاده و با دلایل غیرقابل تردید ممکن است. ادعای تحقق عدالت، چنانکه منفک از کرامت و حقوق فردی و فارغ از معیارهای عینی و آزموده اجتماعی باشد، زمینه‌ساز جرم‌انگاری‌های غیرضرور و افراطی خواهد شد. عدالت نه مفهومی انتزاعی و انتقادناپذیر، بلکه معیاری پویا و اجتماعی است که تنها در بستر رعایت حقوق بنیادین فرد و احترام به آزادی و منافع اساسی افراد، معنا و مشروعیت می‌یابد. جرم‌انگاری صرفاً مبتنی بر ادعاهای ارزشی، سنتی، یا بر اساس فایده‌انگاری سیاسی، به‌ویژه زمانی که با واقعیت‌های امروزی جامعه سازگار نیست، عدالت را از بین می‌برد و مردم را نسبت به قانون بی‌اعتقاد می‌کند. توازن میان منفعت عمومی و آزادی فردی، شرط لازم بقای مشروعیت قدرت کیفری است و قانونگذار باید هرگونه مداخله را با معیار تناسب، ضرورت و عقلانیت در قلمروی محدود و ضروری اعمال نماید.

۲- ارزیابی انتقادی رویکرد فعلی قانون‌گذاری کیفری

رویکرد فعلی قانون‌گذاری کیفری در ایران عمدتاً مبتنی بر توسعه مداوم و اغلب شتاب‌زده عناوین مجرمانه و تدوین مقررات کیفری بدون ارزیابی کارشناسی و سنجش واقعی ضرورت جرم‌انگاری است که نتیجه‌ای جز تشدید تورم کیفری، تداخل و تناقض قواعد، اتلاف منابع

قضایی، تضعیف قبح اجتماعی رفتارهای مجرمانه و کاهش اثر بازدارندگی مجازات‌ها نداشته است. این وضعیت، نه تنها موجب إخلال در اصل پیش‌بینی‌پذیری و امنیت حقوقی گردیده، بلکه به خدشه‌دار شدن مشروعیت و کارآمدی نظام عدالت کیفری انجامیده و آن را از دستیابی به اهداف بنیادین خود یعنی تأمین عدالت، امنیت و صیانت از حقوق و آزادی‌های شهروندی باز داشته است.

۲-۱ ناکارآمدی راهکارهای تقنینی و قضایی کنونی

سطحی‌نگری و فقدان برنامه‌ریزی علمی در سیاست‌گذاری تقنینی و قضایی کشور، سبب شده است که راهکارهای موجود برای مواجهه با تورم قوانین کیفری، از اثربخشی و کارآمدی لازم برخوردار نباشند. تقنین شتاب‌زده و جزیره‌ای، بدون ارزیابی دقیق پیامدهای اجتماعی و جرم‌شناختی، بیش از آنکه به کاهش عناوین مجرمانه بینجامد، منجر به افزایش تداخل، تناقض و ابهام در متون قانونی و در نتیجه صدور آرای متعارض شده است. هم‌چنین، اتکای صرف به واکنش کیفری و فقدان سازوکارهای جایگزین غیرجزایی، موجب تداوم فشار بر دستگاه قضایی، تراکم پرونده‌ها و کاهش کیفیت رسیدگی قضایی می‌گردد. در این وضعیت، نه تنها نظام عدالت کیفری از اهداف پیشگیرانه، اصلاحی و بازسازنده خود فاصله می‌گیرد، بلکه اعتماد عمومی به قانون و عدالت نیز تضعیف شده و مشروعیت ساختار تقنینی و قضایی در معرض تهدید قرار می‌گیرد.

۲-۱-۱ بررسی ناکارآمدی جرم‌انگاری‌های متعدد در پیشگیری از جرائم

در دهه‌های اخیر، نظام تقنینی ایران با رشد افسارگسیخته و انفجاری عناوین مجرمانه مواجه بوده است، به‌گونه‌ای که این توسعه بی‌رویه عمدتاً فارغ از ارزیابی‌های دقیق جرم‌شناختی و سنجش علمی ضرورت جرم‌انگاری صورت گرفته و متأثر از رویکردهای واکنشی و تصویب قوانین فله‌ای، بر تراکم و پیچیدگی ساختاری نظام عدالت کیفری افزوده است. پیامد این روند، نه‌تنها فقدان اثرگذاری بازدارنده مطلوب و عدم تحقق اهداف پیشگیرانه سیاست کیفری است، بلکه بروز عادی‌انگاری جرایم، تنزل قبح اجتماعی و تزلزل

اقتدار حقوقی-کیفری را به همراه داشته، به طوری که میان رفتارهای واقعاً زیان‌آفرین و رفتارهای صرفاً غیراخلاقی یا غیرهنجاری تمایزی مؤثر ایجاد نشده و نظام کیفری با حجم گسترده‌ای از عناوین غیرضروری و ناکارآمد مواجه است. مطالعات تطبیقی نیز بر ناکارآمدی این رویکرد صحنه می‌گذارد و نشان می‌دهد که کشورهای پیشرو در عرصه حقوق کیفری با تأکید بر اصل حداقلی‌سازی مداخله کیفری، به بازنگری مستمر فهرست جرایم، جرم‌زدایی و پالایش نظام قانون‌گذاری پرداخته‌اند؛ امری که فاصله سیاست کیفری ایران با تحولات نوین جهانی را آشکار می‌سازد. به علاوه، تداوم فقدان سازوکار ارزیابی کارآمدی قوانین و تعیین مجازات‌ها پیش از بررسی دقیق پیامدهای اجتماعی، نه تنها منجر به کاهش نرخ حقیقی جرایم نشده، بلکه هزینه‌های مالی و انسانی نظام عدلیه را به صورت روزافزون افزایش داده است. در نتیجه، رویکرد قانون‌گذاری کیفری فعلی بیش از آنکه ضامن نظم و امنیت عمومی باشد، کارکرد ضدپیشگیرانه یافته و ضرورت بازاندیشی بنیادین در راستای جرم‌زدایی مبتنی بر معیارهای علمی و سیاست جنایی عقلانی را به مسأله‌ای انکارناپذیر بدل ساخته است.^۱

۲-۱-۲ مشکلات ناشی از عدم رعایت اصل تناسب در سیاست کیفری

در نظام‌های کیفری مشروع، رعایت اصل تناسب میان جرم و مجازات از ابتدایی‌ترین و بنیادین‌ترین الزامات حقوقی و تضمینی بر عدالت قضایی و مشروعیت تصمیمات تقنینی به شمار می‌آید. با این حال، بررسی رویه قانون‌گذاری کیفری ایران در سال‌های اخیر، تحت تأثیر تورم عناوین مجرمانه و جرم‌انگاری افراطی، بیانگر تضییع گسترده این اصل است؛ چرا که در بسیاری از موارد، برای رفتارهایی با ماهیت، انگیزه و شدت متفاوت، مجازات‌های مشابه یا حتی شدید تعیین گردیده و در نتیجه، مجازات‌های ناهمگون و بعضاً سنگین، بدون توجه به میزان واقعی خطر و قبح فعل، بر افراد تحمیل می‌شود. چنین روندی، افزون بر نارضایتی موجه افکار عمومی و سلب اعتماد از دستگاه قضا، به دلیل تنزل جایگاه عدالت در

^۱ - گل‌اسا دادگر، سپیده (۱۴۰۳) چالش‌های عملی ناشی از تورم قوانین کیفری و راهکارهای آن، چهارمین کنفرانس بین

نظام کیفری، موجبات کاهش کارایی ابزارهای کیفری و هدررفت منابع انسانی و مادی قوه قضائیه را فراهم آورده و باعث می‌گردد که بخش عمده توان و ظرفیت قضایی صرف رسیدگی به جرایم کم‌اهمیت‌تر شود و جرایم با خطر و لطمه‌ی جدی برای جامعه مورد غفلت یا رسیدگی غیرموثر واقع گردد. افزون بر این، ابهام در تعیین و تفکیک مصادیق مجرمانه، موجب پراکندگی آراء قضایی و نبود وحدت رویه شده است که هم ناقض اصل پیش‌بینی‌پذیری در حقوق کیفری است و هم به ضعف در تحقق عدالت و اقتدار قضایی می‌انجامد. این در حالی است که اسناد معتبر بین‌المللی نظیر میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، اصل تناسب را به عنوان یکی از اجزای لاینفک دادرسی عادلانه و حاکمیت قانون مورد تأکید قرار داده‌اند. در نهایت، می‌توان اذعان داشت که استمرار نقض این اصل کلیدی، ضمن تضعیف اعتماد عمومی، موجب زوال اثربخشی کیفر، افزایش تورم و آشفتگی حقوقی و سلب مشروعیت و کارآمدی از کلیت نظام عدالت کیفری خواهد شد.^۱

۲-۲ آسیب‌های حقوقی، اجتماعی و اقتصادی ناشی از تورم کیفری

تورم کیفری با ایجاد انباشت و پراکندگی غیرضروری عناوین مجرمانه، موجب ابهام، تداخل و تعارض در متون قانونی شده و اصل پیش‌بینی‌پذیری و امنیت حقوقی را به خطر می‌اندازد، به گونه‌ای که شهروندان، وکلا و حتی قضات در تفسیر و اعمال قانون با دشواری و سردرگمی مواجه می‌گردند و زمینه صدور آرای متعارض و نقض اصل برابری در برابر قانون فراهم می‌شود. این وضعیت، از یک‌سو مشروعیت و اقتدار نظام کیفری را خدشه‌دار ساخته و اعتماد عمومی به نظام عدالت را تضعیف می‌کند و از سوی دیگر، با گسترش برچسب‌زنی و افزایش جمعیت کیفری، آسیب‌های اجتماعی نظیر طردشدگی، سلب فرصت‌های اصلاح و بازپذیری اجتماعی، و تضعیف سرمایه اجتماعی را تشدید می‌نماید. افزون بر این، تورم کیفری بار مالی و اداری سنگینی بر دوش دستگاه قضایی و دولت نهاده،

^۱ - شمس ناتری، محمد ابراهیم و جاهد، محمد علی (۱۳۸۷) عوامل و نتایج تورم کیفری و راهکارهای مقابله با آن، فقه

سبب تراکم و اطلاع دادرسی، افزایش هزینه‌های نگهداری زندانیان، و انحراف منابع ملی از نیازهای اساسی جامعه به سوی اداره بی‌رویه نظام کیفری می‌شود و در نهایت، امنیت اقتصادی، کارآمدی و عدالت اجتماعی را با تهدیدات اساسی مواجه می‌سازد.

۲-۲-۱ تضعیف قبح جرم و افزایش بار قضایی

افزایش فراوانی قوانین کیفری و تمسک مکرر به سیاست جرم‌انگاری، به نحوی مؤثر موجب تضعیف قبح اجتماعی جرایم و بی‌تفاوتی جمعی نسبت به قواعد کیفری می‌گردد، به گونه‌ای که با تزايد بی‌ضابطه عناوین مجرمانه، ارزش بازدارندگی و وجهه هنجاری برچسب مجرمانه به شدت کاهش یافته و حساسیت افکار عمومی نسبت به ارتکاب اعمال منع‌شده از میان می‌رود. این وضعیت نه تنها با افزایش قابل توجه بار کاری بر دوش دستگاه قضایی، فرسایش مستمر نیروی انسانی و منابع مالی را در پی دارد، بلکه روند اطلاع دادرسی، کاهش دقت و کیفیت رسیدگی و سرخوردگی جوامع حقوقی و عموم مردم را در قبال عدالت رسمی رقم می‌زند. در چنین شرایطی، کارآمدی نظام عدالت کیفری نه بر اساس شمار عناوین مجرمانه بلکه بر پایه اثربخشی عملی و تناسب ضمانت اجراها و تحقق عدالت مبتنی بر سرعت و انصاف در فرآیند دادرسی معنا می‌یابد؛ حال آن‌که تورم کاذب پرونده‌های کیفری جز اتلاف منابع، افت بهره‌وری و زوال انگیزه در قوای قضائیه ثمر دیگری ندارد. از سوی دیگر، اطلاق بی‌مبنای وصف مجرمانه به کنش‌های کم‌اهمیت یا فاقد مخاطره اجتماعی موجب احساس عمیق بی‌عدالتی و سلب اعتماد مردم به لزوم مراجعه به سازوکارهای رسمی عدالت شده و آنان را به سمت سازوکارهای غیررسمی، سازش‌های خارج از دادگاه یا حتی انتقام شخصی سوق می‌دهد. ادر جمع‌بندی، تداوم این روند، به جای ارتقاء مسئولیت‌پذیری و قانون‌مداری شهروندان، منجر به بی‌اعتمادی روزافزون نسبت به نظام کیفری و جدایی فزاینده دستگاه عدالت از رسالت‌های بنیادین و اهداف مشروع خویش خواهد شد.

^۱ - شیریان نسل، مریم و دیگران (۱۳۹۹) تورم جمعیت کیفری زندانها و نقض مقررات بین المللی حقوق بشر، علت ها و راهبردها، فصلنامه مطالعات بین المللی، سال ۱۷، شماره ۲، زمستان، ص ۶۹

از حیث جامعه‌شناختی و حقوقی، گسترش دامنه جرم‌انگاری بی‌توجه به ضرایب ارزشی و عرفی جامعه، نه‌تنها انگي به هویت‌های فردی و اجتماعی افراد وارد می‌سازد، بلکه عملاً به تضعیف سرمایه اجتماعی، افزایش انزوای گروه‌های آسیب‌پذیر، و تقویت چرخه بازتولید بزهکاری در جامعه منجر می‌شود. برچسب مجرمیتی که از رهگذر تقنین گسترده بر افراد تحمیل می‌گردد، بسیاری از ظرفیت‌های بازپروری، اجتماعی‌شدن مجدد و یادگیری

۱- دلاوری، محسن و حاجی، نرگس (۱۳۹۴) بررسی چالش های ناشی از تورم قوانین کیفری در حقوق کیفری ایران، کنفرانس ملی چارسوی علوم انسانی، شیراز، <https://civilica.com/doc/508058>

هنجارها را مختل کرده و مسیر بازگشت به زندگی شرافتمندانه را دشوار می‌سازد. افزون بر این، وقتی که بخش قابل توجهی از عناوین کیفری بر رفتارهایی وضع می‌شود که نه قبح اخلاقی دارند و نه تهدیدی اساسی برای نظم عمومی تلقی می‌شوند، شهروندان پذیرش و همراهی با قواعد حقوق کیفری را از دست می‌دهند و مشروعیت این قواعد نزد افکار عمومی متزلزل می‌گردد. ۱ تورم قوانین و تصویب مقرراتی که در عمل متروک و فاقد ضمانت اجرا می‌مانند، نه تنها دشواری‌های اجرایی برای دستگاه قضایی و نیروهای انتظامی به وجود می‌آورد، بلکه به مرور زمان منجر به فروپاشی اعتبار حقوق کیفری، سست شدن اقتدار دولت در اعمال نظم، و فراگیری هنجارگریزی و بحران مشروعیت در بطن نظام حقوقی کشور خواهد شد.

۳- راه‌حل‌های پیشنهادی مقابله با تورم قوانین کیفری

۳-۱ راهبردهای پیشگیرانه و سیاست‌گذاری کیفری معقول

راهبردهای پیشگیرانه و سیاست‌گذاری کیفری معقول ایجاب می‌کند که قانون‌گذار و سیاست‌گذار جنایی با تکیه بر اصول علمی و داده‌های جرم‌شناسانه، محوریت را از واکنش صرف کیفری به سوی پیشگیری اولیه و اجتماعی منتقل نمایند و از رویکرد جرم‌انگاری و مجازات‌گرایی بی‌رویه بپرهیزند. این راهبردها باید مبتنی بر پالایش مستمر قوانین کیفری، جرم‌زدایی و کیفرزدایی رفتارهای فاقد خطر جدی اجتماعی، جایگزینی ضمانت‌اجراهای غیرکیفری و ترمیمی، و فراهم‌سازی بسترهای فرهنگی، آموزشی و حمایتی برای پیشگیری از بزهکاری باشد. اتخاذ این رویکرد عقلانی مستلزم تدوین معیارهای شفاف، تخصصی و متناسب در فرایند جرم‌انگاری، ارتقای نقش نهادهای میانجی و حمایتی، همکاری نهادهای مدنی و اقدام منسجم قوه مقننه و قضاییه است تا ضمن پاسداشت کرامت انسانی، کارآمدی و مشروعیت نظام عدالت کیفری حفظ و از بروز آسیب‌های ناشی از تورم کیفری پیشگیری

^۱ - لکوریج، علی منصور و دیگران (۱۴۰۰) پیامدهای جرم‌انگاری غیر صحیح و راه‌های برون رفت از آن، مجله حقوق

شود.

۳-۱-۱ اصل کمینه‌گرایی کیفری و نقش جرم‌زدایی

اصل کمینه‌گرایی کیفری به عنوان یکی از سنگ‌بنای سیاست جنایی عقلانی و رویکرد غالب در حقوق کیفری معاصر، اقتضا دارد که جرم‌انگاری تنها باید به عنوان آخرین ابزار و صرفاً در مواجهه با رفتارهایی اعمال شود که تهدیدی جدی برای نظم و منافع عمومی محسوب می‌شوند. نظریه پردازان حقوقی و مطالعات تطبیقی تصریح نموده‌اند که توسعه بی‌ضابطه عناوین کیفری، نه تنها اثربخشی عدالت را کاهش می‌دهد، بلکه با تحمیل هزینه‌های اجتماعی و قضایی فزاینده، مشروعیت نظام کیفری را نیز به چالش می‌کشد. بنابر این رویکرد، پالایش تدریجی قوانین با حذف رفتارهای کم اهمیت، غیرضرور یا صرفاً غیراخلاقی از سیاهه جرایم و واگذاری مدیریت آن‌ها به نهادهایی چون شوراهای حل اختلاف، نهادهای صنفی، یا نهادهای آموزشی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است؛ اقدامی که تجربه کشورهای موفق نیز مؤید اثربخشی و کارآمدی آن در کاهش بار اضافی نظام عدالت کیفری و افزایش اعتماد عمومی به عدالت رسمی است. در این راستا، ایفای نقش گروه‌های علمی، پژوهشی و اجرایی جهت بررسی و اعلان مستمر عدم ضرورت یا انطباق برخی عناوین مجرمانه، با ایجاد ساختارهای نظام‌مند ارزیابی و بازنگری مقررات کیفری، لازم و اساسی می‌نماید.^۱ علاوه بر این، تحقق اصل کمینه‌گرایی و سیاست جرم‌زدایی، صرفاً ابزاری نظری نبوده و بلکه راهکاری عملگرایانه برای صیانت از عدالت، تقویت مشروعیت نظام کیفری و افزایش رضایتمندی شهروندان به‌شمار می‌رود. جرم‌زدایی، با حذف رسمی و عملی وصف کیفری از برخی رفتارها و واگذاری کنترل این قبیل مسائل به نظامات اداری، صنفی یا اجتماعی، موجب کاهش ورود پرونده‌های غیرضرور به دستگاه قضایی، افزایش کارایی پلیس و قوه قضائیه، و ارتقای فرهنگ حقوقی جامعه می‌گردد. این فرآیند، می‌بایست مبتنی بر داده‌های

^۱ - میرکمالی، سید علیرضا و دیگران (۱۴۰۰) پیشگیری کیفری در پرتو کمینه‌گرایی، جلوه‌ها و چالش‌ها، فصلنامه

رهیافت پیشگیری از جرم، دوره ۴، شماره ۱، بهار، ص ۱۲۱

دانش جرم‌شناسی، تحلیل هزینه-فایده، اثرسنجی مقررات، و بهره‌گیری از مطالعات تطبیقی شکل گیرد تا ضمن تضمین تناسب و ضرورت جرم‌انگاری، از ورود مقررات غیرکارآمد و مغایر با حقوق بنیادین شهروندان جلوگیری شود. ۱ در نهایت، موفقیت اصل کمینه‌گرایی مشروط به شجاعت تقنینی برای پالایش مداوم، حذف عناوین زائد، و استقرار نظام ارزیابی دقیق بر مبنای تحلیل‌های کارشناسی است؛ رویکردی که افزون بر تضمین عدالت و حمایت از پیکره اجتماع، پاسدار آزادی‌های اساسی افراد و مانع از بحران تورم تقنینی در نظام حقوقی خواهد بود.

۳-۱-۲ بهره‌گیری از نهادها و تدابیر غیرکیفری در سیاست‌گذاری جنایی

بهره‌گیری سنجیده و نظام‌مند از تدابیر غیرکیفری همچون اقدامات اداری، انتظامی، آموزشی و مداخله در ریشه‌های اجتماعی بزهکاری، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای رهایی نظام عدالت کیفری از بار سنگین دعاوی و پرونده‌های جزایی کم‌اهمیت است. رویکردهای نوین جرم‌شناسی با تکیه بر ظرفیت‌های نهادهای مدنی، حمایتی، روان‌شناختی و رسانه‌ای، پاسخ به جرایم و آسیب‌های اجتماعی را از قالب صرفاً کیفری خارج ساخته و بر تنوع ابزارهای کنترلی و پیشگیرانه می‌افزایند. تجربه نظام قضایی کشور نیز مؤید آن است که سازوکارهایی نظیر شورای حل اختلاف، میانجی‌گری، داوری و رویکردهای ترمیمی، علاوه بر کاهش هزینه‌ها و تبعات اجتماعی مجازات‌های رسمی، بستر جایگزین‌هایی اخلاقی و عرف‌محور را فراهم می‌آورد که با فرهنگ مصالحه و جامعه‌پذیری سازگارترند. همچنین، توسل به تدابیری چون آموزش حقوقی همگانی، حمایت از برنامه‌های اصلاحی و تربیتی، و ارائه خدمات ویژه به اقشار آسیب‌پذیر، زمینه اجرای سیاست جنایی پیشگیرانه و جامع را تقویت نموده و جلوی رجوع افراطی به پاسخ‌های کیفری را می‌گیرد. در پرتو این سیاست‌ها، انباشت پرونده‌ها در دستگاه قضایی کنترل شده و اعتماد عمومی نسبت به عدالت و قانون

۱ - باباخانی، عرفان (۱۴۰۰) توافق کیفری سازوکار جایگزین تعقیب عمومی (مطالعه تطبیقی حقوق ایران، بلژیک و

فرانسه) پژوهشنامه حقوق تطبیقی، دوره ۵، شماره ۱، شماره پیاپی ۷، بهار و تابستان، ص ۳۷

تقویت می‌شود، به‌ویژه آن‌که مطالعات تطبیقی نشان داده‌اند کارآمدترین نظام‌های جنایی جهان بخش مهمی از اختلافات و جرایم را به سازوکارهای اداری، صنفی، میانجی‌گری و خدمات اجتماعی محول ساخته و بدین طریق بار اصلی را از دوش دستگاه قضا برداشته‌اند. از منظر سیاست جنایی اصول‌گرا، جرم‌انگاری باید آخرین واکنش و تنها برای رفتارهایی صورت پذیرد که نظم عمومی را به طور جدی تهدید می‌کنند، چراکه تصویب شتابزده و غیرکارشناسی عناوین کیفری اغلب آثار معکوس و هزینه‌های جبران‌ناپذیری بر پیکره عدالت دارد. از همین رو، راهبردهای جرم‌زدایی، کیفرزدایی و قضازدایی به عنوان تدابیر کلیدی در اصلاح ساختار کیفری، مورد توجه قرار گرفته‌اند؛ به گونه‌ای که جرم‌زدایی، با حذف وصف کیفری از رفتارهای فاقد ضرر اجتماعی چشمگیر، و کیفرزدایی، با تعدیل ضمانت اجرای کیفری و جایگزینی مجازات‌های غیرحبسی و اصلاحی، شایسته‌ترین پاسخ به تراکم تقنینی و خطر برچسب‌زنی هستند. این سیاست‌ها، اگر با رویکردی دقیق و متکی بر ارزیابی کارشناسی اجرایی شوند، ضمن کاهش ورودی پرونده‌های جزایی و ارتقاء کارآمدی قوه قضاییه، در تحکیم رویکرد تناسب، انسان‌محوری و اعتماد عمومی به سیستم عدالت کیفری مؤثر خواهند بود.^۱ با این حال، مخاطراتی چون پدیده بیکفیری و تضعیف بازدارندگی باید با رعایت اصول کارشناسی، تحلیل‌های واقع‌گرا و تبعیت از هنجارهای بنیادین جامعه کنترل گردد تا عدالت کیفری نه تنها از منظر اثربخشی، بلکه از جنبه مشروعیت و پاسخگویی به ارزش‌های اجتماعی نیز ارتقا یابد و از افت منزلت نظام حقوقی و رواج هنجارگریزی جلوگیری شود.

۳-۲ اصلاح ساختاری فرایند تقنین و ارتقای فرهنگ حقوقی

اصلاح ساختاری فرایند تقنین، مستلزم بازنگری اساسی در شیوه‌های وضع قانون به منظور ارتقای کیفیت و کارآمدی نظام حقوقی و پیشگیری از تصویب شتابزده و غیرتخصصی

^۱ - قدرتی، نورالله و دیگران (۱۴۰۲) پیامدهای حقوقی جرم‌انگاری فراگیر در نظام قضایی ایران، حقوق اسلامی، سال

مقررات به‌ویژه در حوزه کیفری است؛ این امر از طریق نهادینه‌سازی ارزیابی‌های کارشناسانه، مشارکت نظام‌مند صاحب‌نظران، شفاف‌سازی معیارهای جرم‌انگاری و پیش‌بینی سازوکارهای بازنگری و پالایش مستمر قوانین محقق می‌شود. از سوی دیگر، ارتقای فرهنگ حقوقی جامعه با تکیه بر آموزش عمومی، آگاه‌سازی مستمر و گفتمان‌سازی پیرامون اهمیت اصول حقوقی، به ویژه اصل حاکمیت قانون و جایگاه حقوق کیفری به عنوان آخرین ابزار مداخله دولت، زمینه پذیرش اجتماعی قوانین، کاهش تخلفات و تحقق نظم و عدالت پایدار را فراهم می‌آورد و بدین سان، هم‌افزایی میان اصلاح روند تقنین و ارتقای فرهنگ حقوقی، تضمین کارآمدی، مشروعیت و پویایی نظام حقوقی را در پی خواهد داشت.

۳-۲-۱ نقش بازنگری و پالایش قوانین کیفری از منظر عدالت

پالایش و اصلاح ساختاری مقررات کیفری، اقتضا می‌نماید که بر مبنای شاخص‌های شفاف و علمی ضرورت جرم‌انگاری و در پرتو تشکیل کمیسیون‌ها و کارگروه‌های تخصصی، فرآیند بازنگری قوانین با رویکردی عقلانی، منظم و هدفمند دنبال شود؛ این مهم از طریق ممیزی‌های ادواری و بهره‌گیری از فناوری حقوقی، بانک‌های اطلاعاتی ملی و سامانه‌های ثبت و پالایش قوانین، زمینه حذف مقررات زائد، متروک یا متعارض را فراهم می‌کند و از بازتولید بحران‌های حقوقی جلوگیری به عمل می‌آورد. اصل تناسب، کارآمدی، جامعیت، اجتناب از هرگونه ابهام و رعایت موازین حقوق بشری شامل اصل برائت، دادرسی عادلانه و منع مجازات بی‌تناسب، باید محور تقنین یا لغو مقررات قرار گیرد تا مشروعیت و کارآمدی نظام عدالت کیفری تضمین شود. تطبیق مستمر قوانین با تحولات اجتماعی، آموزش حقوقی همگانی و مشارکت فعال دانشگاهیان، وکلای مستقل، نهادهای مدنی و نخبگان در کلیه مراحل تقنین و اصلاح، ضامن چابک‌سازی و پویا نگهداشتن نظام حقوق کیفری و افزایش اعتماد عمومی به روند قانون‌گذاری خواهد بود. موفقیت این رویکرد در گرو پرهیز از ابهام، فقدان استبداد رأی و تأمین عادلانه منافع تمامی گروه‌های اجتماعی است، به نحوی که فرآیند پالایش منصفانه و علمی قوانین، سرمایه اجتماعی را حفظ نموده و پویایی عدالت

کیفری را در پاسخ به نیازهای نوین جامعه تضمین نماید.^۱

۳-۲-۲ ارتقای آگاهی‌های عمومی و تقویت فرهنگ حقوقی جامعه در مقابله با

تورم کیفری

شالوده هرگونه سیاست‌گذاری مؤثر در حوزه کیفری، ارتقای فرهنگ حقوقی عمومی و تقویت زیرساخت‌های آموزشی و آگاهی‌بخشی جامعه است. بسیاری از نمودهای تورم قوانین کیفری، بیش از آنکه ریشه در ضرورت‌های واقعی جامعه داشته باشند، حاصل فشارهای هیجانی افکار عمومی، مطالبات غیرکارشناسانه یا انتظارات خلق‌الساعه‌ای هستند که بدون مبنا و مطالعه، خواستار جرم‌انگاری و سرکوب کیفری‌اند. راه مقابله با این معضل، تقویت سواد حقوقی شهروندان از رهگذر آموزش حقوق، توسعه رسانه‌های آموزشی، برنامه‌ریزی هدفمند در مدارس و دانشگاه‌ها و مشارکت فعال سازمان‌های مردم‌نهاد در تدوین و اصلاح قوانین است. آگاهی‌بخشی حقوقی و ارتقای مطالبه‌گری علمی در سطح جامعه، نه تنها منجر به تعدیل مطالبات کیفری و مهار قانون‌خواهی افراطی می‌شود، بلکه بستر اجتماعی لازم را برای تقنین عقلانی و پیشگیری اساسی از تورم کیفری فراهم می‌سازد. مشارکت فعال شهروندان و نهادهای مدنی در فرآیند قانون‌گذاری، ارزیابی و نقد مستمر قوانین، زمینه تحقق مشروعیت دوباره حقوق کیفری و کاهش فشار بر تقنین و دستگاه قضا را فراهم می‌کند.^۲ معضل تورم عناوین کیفری در حقوق ایران، علاوه بر سردرگمی شهروندان و مجریان، با تحمیل بار اضافی بر نظام قضایی، سبب تضعیف کارآمدی و مشروعیت عدالت کیفری و در نهایت ترویج بی‌اعتمادی مدنی و کاهش منزلت قانون می‌شود. گسترش بی‌ضابطه جرم‌انگاری، غالباً ناشی از فقدان رویکرد علمی و کم‌توجهی به یافته‌های

^۱ - شمس ناتری، محمد ابراهیم و جاهد، محمد علی (۱۳۸۷) عوامل و نتایج تورم کیفری و راهکارهای مقابله با آن، فقه و حقوق، سال پنجم، شماره ۱۷، تابستان، ص ۹۹

^۲ - فانی، رضا و همکار (۱۴۰۲) سیاست جنایی تقنینی در قبال بحران جرم‌انگاری و تورم کیفری در نظام حقوقی کیفری ایران، دومین کنفرانس ملی مطالعات بنیادین حقوقی-فقهی (نظریه ها، رویکردها و چالش ها) مشهد، ۲۰۹۹۶۲، <https://civilica.com/doc/۲۰۹۹۶۲>

جرم‌شناسی و تجارب بین‌المللی است که نتیجتاً رفتارهای کم‌ضرر یا قابل حل با سازوکارهای غیرکیفری را نیز به دایره کیفری وارد ساخته است. این رویکرد ضمن افزایش تراکم پرونده‌ها و زندانیان، زمینه بروز آسیب‌های اخلاقی و هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی مضاعف را فراهم می‌آورد. مقابله اساسی با این بحران، مستلزم بازنگری شفاف در فلسفه و معیارهای جرم‌انگاری، حذف و تعدیل ضمانت اجرای کیفری غیرضرور، و تقویت ابزارهای حقوقی و فرهنگی پیشگیرانه است.^۱ حمایت‌های فرهنگی و تقویت آموزش‌های شهروندی، نه تنها اثربخشی رویکردهای پیشگیرانه را بالا می‌برد، بلکه امکان بازگشت نظام تقنین کیفری به اصل تناسب، ضرورت و کارآمدی را، مطابق با سفارش اصل ۱۵۶ قانون اساسی، مبتنی بر اقدام مؤثر و مشخص، تقویت خواهد کرد.

نتیجه‌گیری

یکی از تمایزات اساسی میان حوزه حقوق و سیاست، جایگاه بی‌بدیل «حکومت قانون» و عناصر بنیادین مرتبط با آن است که شالوده نظم حقوقی هر جامعه را تشکیل می‌دهد. حکومت قانون تنها در صورتی مفهوم می‌یابد که متکی بر ارکان کلیدی از جمله دسترسی عمومی به عدالت، کارآمدی و قطعیت فرآیندهای قضایی، شفافیت، تناسب و برابری باشد. در مقابل، عرصه سیاست، به دلیل ماهیت اجرایی و مدیریت محور خود، اغلب به دنبال تأمین مصلحت عمومی با حداقل اتکا به واقعیت‌های حقوقی و اصول بنیادین حکومت قانون است. فرایند قانون‌گذاری به‌ویژه در حوزه کیفری و جرم‌انگاری، با تأثیرپذیری از ملاحظات سیاسی و اجتماعی، گاه فاقد سنجش دقیق معیارهای حقوقی و الزامات عدالت قضایی است. چنان‌چه در این فرایند، مبانی حکومت قانون، همچون شفافیت، تناسب، و عدالت نادیده گرفته شود، نه تنها مشروعیت نظام حقوقی آسیب می‌بیند بلکه نظم اجتماعی، امنیت حقوق بنیادین از جمله دادرسی عادلانه و اصل برابری مورد تهدید جدی قرار

^۱ - خواجه نقدر، امیررضا (۱۴۰۲) راهبردهایی بر بحران حقوقی ناشی از تورم قوانین کیفری، همایش بین‌المللی حقوق

می‌گیرد. پیامدهای تورم کیفری و توسعه بی‌ضابطه عناوین مجرمانه، نه تنها سبب افزایش بار مضاعف بر دوش دستگاه قضایی و انتظامی و گسترش جمعیت کیفری و صرف بیهوده منابع می‌گردد، بلکه منجر به تضعیف شدید قبح اجتماعی جرم، عادی‌انگاری بزه، و در نهایت سلب مشروعیت و تأثیر حقوق کیفری در جامعه می‌شود. در چنین شرایطی، دستگاه قضایی ناگزیر به تمرکز بر جرایم کم‌اهمیت و حاشیه‌ای شده و منابع محدود آن از مقابله مؤثر با جرایم سنگین و واقعی منحرف می‌شود. تعدد و تناقض در قوانین کیفری، موجب تشتت رویه قضایی، عدم پیش‌بینی‌پذیری و سلب امنیت حقوقی شهروندان می‌گردد. تشدید کیفرها و افزایش عناوین مجرمانه، به جای ارتقاء نظم و صیانت از عدالت و مصالح اجتماعی، باعث افزایش ناراضایتی عمومی، بروز کژکارکردهای قضایی و گسترش راهکارهای غیررسمی و انتقام خصوصی در حل و فصل اختلافات می‌شود؛ امری که در نهایت اساس عدالت و مشروعیت نظام حقوقی را سست می‌سازد. در این راستا، غلبه بر بحران تورم کیفری و بحران مشروعیت نظام عدالت کیفری، مستلزم بازنگری اساسی در شیوه قانون‌گذاری و تدوین سیاست جنایی است. قانونگذار می‌بایست با اتنا بر یافته‌های علمی جرم‌شناختی و اصول حقوق بشری، از توسعه کمی بی‌رویه عناوین مجرمانه خودداری نموده و رویکرد حداقلی‌سازی مداخله کیفری و جرم‌زدایی تدریجی و هدفمند را جایگزین رویکرد کنونی نماید. تشکیل نهادهای تخصصی برای پالایش و حذف عناوین زائد و ناکارآمد، ارزیابی مستمر میزان کارآمدی مقررات موجود و تدوین معیارهای دقیق و شفاف برای جرم‌انگاری ضروری است. همچنین به کارگیری ابزارها و ضمانت‌اجراهای غیرکیفری، ارتقای فرهنگ حقوقی، تقویت آموزش عمومی و مشارکت ذی‌نفعان در عرصه قانون‌گذاری، از راهکارهای اساسی برای بازگرداندن نظام عدالت کیفری به رسالت‌های بنیادین خود یعنی تأمین امنیت، عدالت و احترام به آزادی‌های بنیادین شهروندان است؛ اصلاحاتی که نه تنها به ارتقاء مشروعیت و کارآمدی نظام حقوقی منجر می‌شود، بلکه بستر تحقق عدالت پایدار و هم‌راستا با استانداردهای حقوق بشر را فراهم خواهد ساخت.

منابع و مأخذ

۱. باباخانی، عرفان (۱۴۰۰) توافق کیفری سازوکار جایگزین تعقیب عمومی (مطالعه تطبیقی حقوق ایران، بلژیک و فرانسه) پژوهشنامه حقوق تطبیقی، دوره ۵، شماره ۱، شماره پیاپی ۷، بهار و تابستان.
۲. بادام فیروز، فردین و افشون، مهدی (۱۴۰۰) کیفر زدایی از رهگذر تخفیف معافیت و تبدیل مجازات در حقوق کیفری ایران، دومین کنفرانس ملی حقوق فقه و فرهنگ، شیراز، شیراز، <https://civilica.com/doc/۱۵۱۱۸۲۱>
۳. برگی، محمد مهدی و همکار (۱۳۹۶) چالش های حقوقی ناشی از تورم قوانین کیفری و راه های برون رفت از بحران مربوط در ایران، چهارمین همایش ملی حقوق ارزیابی کارامدی قانون در نظام جمهوری اسلامی ایران، ۲۶ بهمن ماه.
۴. حاجی آقا، مهدی و داراب نژاد، سیمین، ۱۳۹۴، موضوع: بررسی تأثیر افزایش جرم انگاری بر تورم قوانین و جمعیت کیفری، نخستین کنگره بین المللی جامع حقوق، <https://civilica.com/doc/۵۰۳۰۸۳>
۵. خواجه نقندر، امیررضا (۱۴۰۲) راهبردهایی بر بحران حقوقی ناشی از تورم قوانین کیفری، همایش بین المللی حقوق علوم سیاسی و معارف اسلامی، قرچک، قرچک، <https://civilica.com/doc/۶۶۹۳۸۳>
۶. دلاوری، محسن و حاجی، نرگس (۱۳۹۴) بررسی چالش های ناشی از تورم قوانین کیفری در حقوق کیفری ایران، کنفرانس ملی چارسوی علوم انسانی، شیراز، <https://civilica.com/doc/۵۰۸۰۵۸>
۷. دولتشاهی نژاد، فرج الله و دیگران (۱۳۹۷) تبیین چالش های ناشی از تورم کیفری در نظام حقوقی ایران در پرتو حق بر دادرسی عادلانه، نشریه حقوق پزشکی، بهار، شماره ۴۴.
۸. شمس ناتری، محمد ابراهیم و جاهد، محمد علی (۱۳۸۷) عوامل و نتایج تورم

- کیفری و راهکارهای مقابله با آن، فقه و حقوق، سال پنجم، شماره ۱۷، تابستان.
۹. شمس ناتری، محمد ابراهیم و جاهد، محمد علی (۱۳۸۷) عوامل و نتایج تورم کیفری و راهکارهای مقابله با آن، فقه و حقوق، سال پنجم، شماره ۱۷، تابستان.
۱۰. شیریان نسل، مریم و دیگران (۱۳۹۹) تورم جمعیت کیفری زندانها و نقض مقررات بین المللی حقوق بشر، علت ها و راهبردها، فصلنامه مطالعات بین المللی، سال ۱۷، شماره ۲، زمستان.
۱۱. طولانی مغانلو، مالک (۱۴۰۱) بررسی ضرورت کاهش عناوین کیفری در حقوق ایران و نقش عوامل فرهنگی در آن، فصلنامه مطالعات رهبری فرهنگی، سال چهارم، شماره ۳، پاییز، پیاپی ۱۲.
۱۲. فانی، رضا و همکار (۱۴۰۲) سیاست جنایی تقنینی در قبال بحران جرم انگاری و تورم کیفری در نظام حقوقی کیفری ایران، دومین کنفرانس ملی مطالعات بنیادین حقوقی-فقهی (نظریه ها، رویکردها و چالش ها)
۱۳. قدرتی، نورالله و دیگران (۱۴۰۲) پیامدهای حقوقی جرم انگاری فراگیر در نظام قضایی ایران، حقوق اسلامی، سال بیستم، شماره ۷۸، پاییز.
۱۴. گل اسا دادگر، سپیده (۱۴۰۳) چالشهای عملی ناشی از تورم قوانین کیفری و راهکارهای آن، چهارمین کنفرانس بین المللی تحقیقات پیشرفته در مدیریت و علوم انسانی، ۲۱ تیرماه.
۱۵. لکوریج، علی منصور و دیگران (۱۴۰۰) پیامدهای جرم انگاری غیر صحیح و راه های برون رفت از آن، مجله حقوق پزشکی، ویژه نامه نوآوری حقوقی، شماره ۳.
۱۶. میرکمالی، سید علیرضا و دیگران (۱۴۰۰) پیشگیری کیفری در پرتو کمینه گرایی، جلوه ها و چالش ها، فصلنامه رهیافت پیشگیری از جرم، دوره ۴، شماره ۱، بهار.